



نزار قبانی

- چاپ چهارم -

صد نامه‌ی عاشقانه

ترجمه‌ی رضا عامری

شعر جهان ...



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشرچشمه: ادبیات - شعر غیرفارسی - شعر عرب

صد نامه‌ی عاشقانه

نزار قبّانی

ترجمه‌ی رضا عامری

ویراستار: احمد پوری

حروف‌نگاری: دریاچه‌ی کتاب

لینوگرافی: مردمک

چاپ: حدیدی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: بهار ۱۳۸۸، تهران

چاپ چهارم: بهار ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشرچشمه است.

هرگونه افشاس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۲-۵۰۲-۳

دفتر مرکزی و فروش نشرچشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب فروشی نشرچشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب فروشی نشرچشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه سناری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ - ۹۰

کتاب فروشی نشرچشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم،

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

صد نامه‌ی عاشقانه تمام آن چیزی است که از خاکستر عشق من مانده، من، شاعری هستم مثل همه‌ی شاعران - مثل همه‌ی مردان - که یادگارهایی از عشق داشته‌ام و مجموعه‌نامه‌هایی... و آن قدر شجاع نبوده‌ام که همه‌ی آن‌ها را در آتش بسوزانم.

منکر نمی‌شوم که به آتش، به عنوان آخرین راه حل، اندیشیده‌ام
راه حلی برای آن‌که مرا و معشوقه‌هایم را از سنگینی این بار امانت برهاند.

اما وقتی برای آخرین بار به محتوای این مآثرک رجوع کرده‌ام، در بعضی از این نوشته‌ها، چیزهای بسیاری از جنس شعر دیده‌ام و برخی را شعر یافته‌ام این فکر مرا از آتش زدن آن‌ها منصرف کرده و در میان انبوه این نوشته‌ها، صد نوشته را برگزیده‌ام یا قطعه‌هایی از آن نوشته‌ها را که حاوی هارمونی شعری و انسانی بوده جدا کرده‌ام، بهرغم آن‌که معتقدم خط فاصل بین خصوصیات و عمومیات هنرمند خط موهومی است.

معتقدم که هنرمند جز در نوشته‌های خاصش نمی‌تواند در چارچوبی آزاد زندگی کند آزاد یعنی روبه‌روی آینه بایستد و خود را از لباس‌های تئاتری و نقاب‌هایی که جامعه به او تحمیل کرده رها کند.

نوشته همان سرزمین موعودی است که نویسنده چون کودکی پابره‌نه روی آن می‌دود و کودکی خود را در آن با همه آزادگی و حرارت و راستی تمرین می‌کند.

لحظه‌های نابی که نویسنده در آن خود را در معرض مراقبت نمی‌بیند و خود را به اقامتی اجباری پای‌بند نمی‌کند.

من به‌رغم آزادی عملی که به‌مثابه‌ی شاعر داشته‌ام، بیشتر مواقع احساس کرده‌ام به اصول و قواعد و چارچوب‌های عام شعر مقیدم، با این همه چیزهایی پشت پرده‌های روحم، خواسته‌اند تصویری بیرون از شکل شعری و یا معادلات خشک بدهند.

به‌تعبیری دیگر در نهاد من منطقه‌ای است که می‌خواهد خود را از سلطه‌ی شعر رها کند. می‌خواهد از شعر فراروی کند.

دوست دارم بار دیگر به این نکته تأکید کنم که نمی‌خواهم با منتشر کردن این نامه‌ها زنی را بارو کردن ورق‌هایم مستوجب گناهی بدانم که شهرت؛ مورد علاقه‌ی من نیست و انگشت گذاشتن بر نام‌ها و یا شخصیت‌سازی اصلاً برای من مهم نیست که زنان بسیاری به‌زندگی‌ام پا گذاشتند و رفتند، همان‌طور که بهار می‌آید و می‌رود و مسافر از راه رسیده چمدانش را باز می‌کند که ببندد و برود... این‌ها گذراست.

عشق قشنگ است و خالی از تظاهر، اما قشنگ‌تر از آن، این حسی است که بر کاغذهای مان جا می‌گذارد و خاکستری که از آن بر انگشت‌های مان می‌نشیند.

زن زیباست اما از آن زیباتر رد گام‌هایش بر نوشته‌های ماست... وقتی که رفته است.

* * *

و دیگر... این نامه‌ها خاکستر آتش عشق من است... منتشرشان می‌کنم
چون ایمان دارم عشقِ هنرمند، خصوصی نیست، عشقی جهانی است و
نامه‌های یک شاعر به تمام زنان جهان.

30book

می‌خواهم برایت نامه‌ای بنویسم که مثل هیچ نامه‌ای نباشد
و برایت زبان تازه‌ای خلق کنم زبانی هم‌اندازه‌ی تنت
و مساحت عشقم

* * *

می‌خواهم از صفحه‌های لغت نامه‌ها سفر کنم
و از دهانم مرخصی بگیرم
از گشتن زبانتم خسته‌ام
دهان دیگری می‌خواهم
که هر وقت خواست
بتواند به درخت گیلان یا چوب‌کبریت تبدیل شود
دهانی که کلمات از آن
چون پری‌های دریایی از امواج
و کبوترها از کلاه شعبده بیرون بریزند

* * *

کتاب‌های کودکی‌ام را که در مدرسه‌ها
خوانده‌ام از من بگیرید
نیمکت‌های مدرسه را
گچ‌ها... قلم‌ها... تخته‌سیاه را...
و به من کلمه‌ای بدهید
تا آن را مثل گوشواره به گوش معشوقم بیاویزم

* * *

انگشت تازه می‌خواهم
تا طور دیگری بنویسم
از انگشتانی که طول‌شان تغییر نمی‌کند
از درختانی که نه بزرگ می‌شوند و نه می‌میرند
بدم می‌آید

انگشت تازه می‌خواهم
بلند مثل بادبان کشتی، گردن زرافه
تا برای محبوبم پیراهنی از شعر بیافم
و برایش الفبایی کشف کنم
متفاوت با الفبای تمام زبان‌ها
الفبایی از هارمونی باران
از غبار هاله‌ی ماه
از اندوه ابرهای خاکستری
و درد برگ‌های بید
زیر چرخ‌های ارابه‌ی آذرماه

* * *

می‌خواهم

گنجی از کلمات به تو هدیه کنم
که هیچ زنی هدیه نگرفته باشد و نگیرد
ای زنی که
نه کسی پیش از تو نه بعد از تو
این چنین نبوده است
می خواهم
به سینه‌های تنبلیت
هجاهای اسسم را بیاموزم
و خواندن نامه‌ها را
می خواهم تو را به خود زبان تبدیل کنم

30book

قشنگم!

از بیروت برایت می نویسم

هوای بارانی

مثل معشوقه‌ای قدیمی است که از سفری دور به دیدارمان آمده

از قهوه‌خانه‌ای کنار دریا می نویسم

آذرماه دلگیر، روزنامه‌ام را خیس کرده

و تو هر لحظه از فنجان قهوه

از سطرهای مجله

بیرون می آیی

پنج ماه گذشته

خوبی؟ عزیزم!

خبر تازه‌ای نیست

بیروت مثل همیشه در شروع زمستان

— مثل همه‌ی زن‌ها — مشغول آرایش است

صبح به‌خیر بنفشه

در گوشی تلفن

مرا به جنگلی تبدیل می‌کند

رفتنت

آن قدرها که فکر می‌کنی

فاجعه نیست

من مثل بیدهای محزون ایستاده می‌میرم

— از متن کتاب —

www.cheshmeh.ir



چشمه
شهرایرانی - ۲۹
شهر جهان
۱۷۵۰۰ تومان

ISBN-13: 978-964-362-502-3



9 789643 625023

Shado A

30book